

«نئولیبرالیسم، زن و توسعه»

(در اشاره به ایران)

پروین شکبیا

کتاب «نئولیبرالیسم، زن و توسعه، در اشاره به ایران» به قلم لیلا دانش در ۱۶۸ صفحه توسط فرهنگسرای آبی در سال گذشته در سوئد منتشر شد. نویسنده در پیشگفتار تاکید میکند که این کتاب تلاشی است برای پاسخ دادن به سؤالاتی که به ویژه در پی تحولات سیاسی سالهای اخیر در ایران در مقابل جنبش زنان قرار گرفته است. در این زمینه تاکید نویسنده بر این است که گفته میشود بازار کار ایران ظرف چند سال آینده زنانه خواهد شد و این جزیی از تغییراتی است که قرار است در راستای برنامه های توسعه در ایران اتفاق بیفتد. به نظر نویسنده، چنین تحولی در متن شرایط سیاسی جاری در ایران سؤالاتی را طرح میکند از جمله اینکه محتوای این برنامه های توسعه برای زنان چیست و اینکه آیا واقعا قرار است افقی در پیش روی زنان گشوده شود که حاصل آن رهایی از ستم و تبعیض جنسی و یا لااقل برابری حقوقی زن و مرد است؟ آیا این فرآیند میتواند مطالبات حقوقی بنیادی ای را تثبیت کند که به اتکای آن بشود برای باقی خواستها و مطالبات جنبش زنان تلاش کرد؟

کتاب علاوه بر پیشگفتار شامل چهار فصل است. فصل اول با عنوان «زن و گسترش کاپیتالیزم» شامل مقدمه و بحثهایی است با عناوین توسعه و زنان، افزایش اشتغال، گسترش فقر و بی حقوقی و ان.ج.او ها (سازمانهای غیر دولتی). در این فصل ضمن تشریح روندهای پایه ای در تبیین موقعیت زن در شرایط حاضر با رجوع به نمونه هایی از کشورهای که برنامه های توسعه اقتصادی را از سر گذرانده اند محتوای این برنامه ها و تاثیر آن بر موقعیت زنان در بازار کار مورد بررسی قرار میگردد. این بررسی عمدتا حول تاثیرات این برنامه ها بر اشتغال زنان و همچنین گسترش فقر و بی حقوقی در میان آنهاست.

بحث و بررسی موقعیت زنان در شرایط حاضر از زاویه موقعیت شغلی آنها با مرور و بررسی تحولات نظری در جنبش زنان در فصل دوم این کتاب تعقیب میشود. این فصل شامل مروری تاریخی بر فمینیسم معاصر، مفهوم پسامدرنیسم، فمینیسم پسامدرن یا موج سوم، معضل فاعل/مفعول (سوژه، ابژه) جنسیت اجتماعی و هویت، معضل سیاست، موقعیت امروز، فمینیسم نهادی شده، مارکسیستها در جنبش زنان، و فمینیسم لیبرال و مباحث توسعه است در این فصل نویسنده بر آن است تا ربط این مباحث را با تغییرات

عینی در موقعیت جدید زن در روند «جهانی شدن» بررسی کند و بر این نکته تاکید میشود که مباحث نظری حاکم بر جنبش زنان در دو سه دهه اخیر خود بازتاب این موقعیت عینی بوده است. در این فصل ضمن مروری تاریخی بر دوره های مختلف در جنبش زنان عمدتاً بر مباحث دوره اخیر متمرکز میشود که خود در اغتشاش نظری و سیاسی در این جنبش نقش دارند و به نوبه ی خود مانع شکل گیری حرکت گسترده ی توده ای و پراتیک سیاسی موثر میشوند.

اما جایگاه جنبش زنان در مجموعه تحولات جاری چیست؟ نویسنده بر آنست که اوجگیری جدید جنبش زنان توجه نیروهای سیاسی مختلف را برانگیخته و هر کدام پاسخهای خود را به مسائل این جنبش طرح میکنند. از این رو روشن است که جنبش زنان، مثل هر جنبش اجتماعی دیگر، موضوع جلب حمایت سیاسی میشود. فصل سوم کتاب با عنوان «توسعه سیاسی و جنبش زنان» به جایگاه جنبشهای اجتماعی و از جمله جنبش زنان برای روند اصلاح طلبی در ایران میپردازد. این فصل نیز علاوه بر مقدمه شامل مباحثی است با عناوین جنبشهای اجتماعی: قدیم و جدید؟، فمینیسم اسلامی، شکل گیری جنبش زنان، اصلاح طلبان دولتی، فمینیسم لیبرال، جنبش مستقل زنان، سیاست و آرمانخواهی و افق سیاسی فمینیسم لیبرال. در این فصل ضمن بررسی دیدگاههای مختلف در مورد نقش و جایگاه جنبشهای اجتماعی مشخصاً این مساله مورد بحث است که جنبش زنان نمیتواند از دست بردن به تغییرات پایه ای در جامعه که به نوبه ی خود امر و حرکتی بغایت سیاسی هستند بپرهیزد و در این دست بردن به سیاست نیز آن سیاستی میتواند امید بخش باشد که واقعا منجر به وضعی شود که مبارزه برای رفع تضییقات جنسی در آن تسهیل شود. و بالاخره فصل آخر کتاب به بررسی روندهای احتمالی و چشم اندازهای آتی اختصاص دارد. در این فصل نویسنده با ارائه تحلیل از حالات متفاوتی که ممکن است در نتیجه تحولات سیاسی جاری در ایران اتفاق بیفتد، به بررسی موقعیت اقتصادی و حقوقی زن در راستای برنامه های توسعه، مذهب و معضل رفرفرم در مساله زن میپردازد و نهایتاً بر التزام به افق سیاسی ای در جنبش زنان تاکید میکند که مانع تبدیل شدن این جنبش به زائده ی تحولاتی است که حاصلش، برده داری نوین نامیده شده است.

برای دریافت نسخه چاپی این کتاب میتوان با این آدرس تماس گرفت:

فرهنگسرای آبیذر (۰۰۴۶-۱۸-۱۰۲۲۲۰)

همچنین متن کامل کتاب نیز در سایت نشریه نگاه قابل دسترس است:

<http://www.negah1.com/ketab/titr6.htm>

(منتشر شده در آرش ۹۱ مورخ آوریل ۲۰۰۵)